

# دسکره' و منظر فرهنگی

## Daskara and Cultural Landscape

مروری بر شکارگاه‌های ساسانی غرب ایران

An Overview of the Sassanid Hunting-Parks of Western Iran

تصویر ۱: طاق بستان.  
کرمانشاه. عکس: محمد  
آتشین‌بار، ۱۳۸۵.



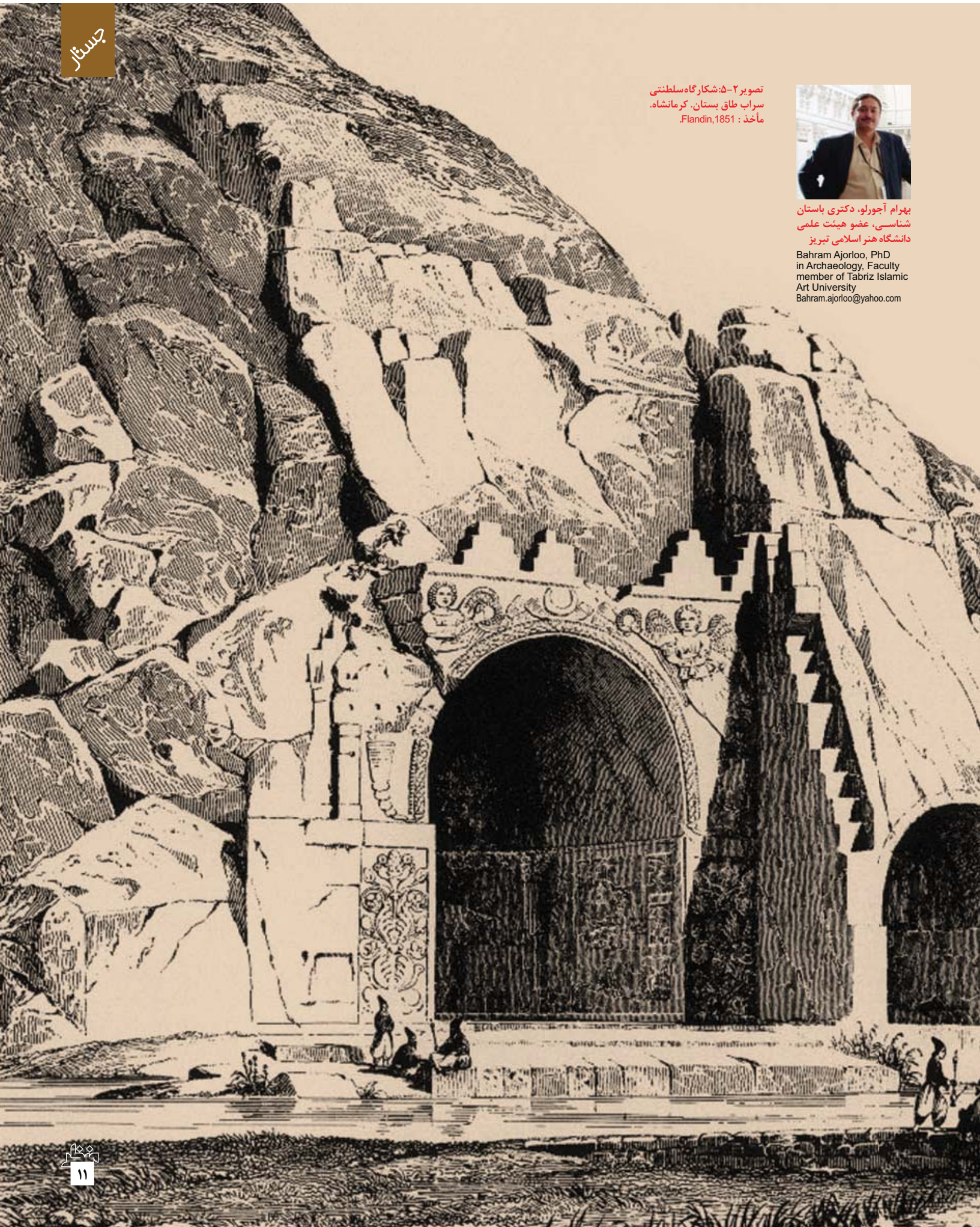


تصویر ۲-۵: شکارگاه سلطنتی  
سراب طاق بستان، کرمانشاه.  
ماخذ: Flandin, 1851.



بهرام آجورلو، دکتری باستان  
شناسی، عضو هیئت علمی  
دانشگاه هنر اسلامی تبریز

Bahram Ajorloo, PhD  
in Archaeology, Faculty  
member of Tabriz Islamic  
Art University  
Bahram.ajorloo@yahoo.com





**Abstract:** Historical Iranian texts have referred to Sassanid landscape architecture and hunting-parks in the Kermānshāhān and Bisotun territories of Western Iran. Some of the oldest of these texts include *Al- A'lāq Al- Nafsyya* by Ibn-i-Rasta (290 AH) and *Al- Masālik va Al- Mamālik* by Estakhrī (c. 320 AH). These historical accounts are backed by archaeological evidence. The three royal hunting grounds, Tarāš-e Farhād of Bisotun, Tāq-e Bostān in Kermānshāh and the Anaitis temple of Kangāvar are the only and most outstanding examples of ancient Iranian landscape architecture discovered yet. Tarāš-e Farhād, a chiseled rock face on the Bisotun cliff, was part of a royal hunting-ground discovered among other Sassanid remains in the village of Bisotun. This hunting-park was designed on the basis of Iranian gardens. In Kermānshāh, the harmonic natural elements including water, mountain and forest as well as the remaining bas-reliefs introduce Tāq-e Bostān as a *daskara* or royal hunting-field. The stone remains known as the Parthian temple of Anaitis in the city of Kangāvar is actually a country pavilion and a royal hunting-ground of a Sassanid court.

**Hypothesis:** The historic remains in the western city of Kangavar are not part of the Parthian Temple of Anaitis but the remains of a *daskira* or hunting-ground belonging to Sassanid kings.

**Keywords:** Sassanid era, Tarāš-e Farhād of Bisotun, Anaitis temple in Kangāvar, Tāq-e Bostān in Kermānshāh, *Daskara* (Persian for hunting-park & pavilion).



تصویر ۱-۲: بشقاب سیمین زراندود با نقش شکار شیر شده: بهرام پنجم و دخترش آزاده سوار بر شتر در حال شکار آهو. محل نگهداری: موزه ارمنستان، روسیه. مأخذ: محمدپناه، ۱۳۸۵:۱۹۱.



تصویر ۱-۲: بشقاب سیمین زراندود با نقش شکار شیر توسط پادشاه شاپور دوم ساسانی. محل نگهداری: موزه ارمنستان، روسیه. مأخذ: محمدپناه، ۱۳۸۵:۱۹۵.

چکیده: در متون تاریخی کلاسیک به شواهدی از معماری محیط و منظر و دسکره در ناحیه کرمانشاهان و بیستون عهد ملوک عجم و آکاسره اشاره شده است. از قدیمی ترین آنها «الأعلاق النفسیه» اثر «ابن رسته» (۲۹۰ ه. ق) و «المسالك الممالک» نوشته «اصطخری» (ح. ۳۲۰ ه. ق) به یادگار مانده است. شواهد باستان شناختی موجود، صحت این گزارش های تاریخی را تأیید و تأکید می کند که سه شکارگاه سلطنتی بیستون، طاق بستان و کنگاور تنها نمونه های نادر و منحصر به فرد از معماری محیط و منظر و ساخت کوشک و دسکره در ایران باستان هستند که تاکنون کشف و گزارش شده اند.

در عهد ساسانی، صفحه حجاری شده ناتمام فرهاد تراش در سینه کوه بیستون در پیوند با آثار معماری مکشوف از ناحیه موسوم به دهکده بیستون، مجموعه یک دسکره و شکارگاه سلطنتی را شکل می داد که از الگوی باغ ایرانی تبعیت می کرد. در شهر کرمانشاه نیز، حضور هماهنگ عناصر طبیعی آب، کوه و بیشه و نیز صحنه های حجاری شده نخجیر سلطنتی، همگی در اشتراک با یکدیگر، سراب طاق بستان را یک دسکره و شکارگاه سلطنتی معرفی می کند. ویرانه های سنگی معروف به معبد اناهیتا در شهر کنگاور استان کرمانشاه نیز هرچند که اثری از عهد اشکانیان معرفی می شود، اما در اصل نه یک معبد پارتی و پرستشگاه الهه اناهیتا، بلکه دسکره و اقامتگاه بیلاقی سلاطین ساسانی بوده است.

**واژگان کلیدی:** عهد ساسانی، فرهاد تراش بیستون، معبد اناهیتای کنگاور، طاق بستان، دسکره.



تصویر ۱-۱: بشقاب زرین و سیمین منقوش به تصویر شاهنشاه ساسانی شیرافکن. موزه تبریز. مأخذ: نگارنده.

۱۳۸۷؛ Erdmann, 1943). اما «والتر سالزمان» نوشته است که معماران ساسانی قصد داشته‌اند که درون این صفحه ۲۰۰ × ۳۳ متری، ایوانی بترانند که مشابه ایوان مدائن در تیسفون و بزرگتر از ایوان‌های سراب طاق بستان در کرمانشاه باشد؛ همچنین می‌خواسته‌اند که در طرفین ایوان بزرگ، مجالسی نیز جاری کنند (Salzmann, 1976). «ولفرام کلایس» نیز، به دلیل اینکه در آنجا هیچ قوس و ستونی نیافت، آن را محوطه‌ای ساسانی اما ناتمام دانسته که شاید به روزگار ساسانیان، نخجیرگاه گراز بوده است (Kleiss, 1970).

همچنین در متون تاریخی کلاسیک به شواهدی از معماری محیط و منظر و دسکره در ناحیه کرمانشاهان و بیستون اشاره شده و از نهر سنگی، جوی آب، باغ، سنگاب و ابنیه ملوک عجم و آکاسره (کسری‌ها) و نقش خسرو و اسب معروف شیدیز سخن رفته است؛ برای مثال، الأعلاق النفسیه اثر ابن رسته (۲۹۰ ه. ق) المسالك الممالک نوشته اصطخری (تألیف ۳۲۲-۳۱۸ ه. ق) سفرنامه ابودلف (۳۴۱ ه. ق) صورة الارض تألیف ابن حوقل (۳۶۷ ه. ق) و یا أحسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم به قلم مقدسی.

از کاوش‌های باستان‌شناختی دهکده بیستون، شواهد معماری و پلان تأسیساتی به ابعاد ۸۵ × ۸۰ متر خاک‌برداری شده است که از نظر لوشای و کلایس قدمت ساسانی دارد (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۷)؛ (تصویر ۳). هیئت مؤسسه باستان‌شناسی آلمان، مدخل ضلع شرقی بنا را یک دروازه پنداشته و معرفی کرده است؛ حال آنکه مجرای ورودی آب می‌باشد؛ زیرا از جبهه شرقی بنا، نهر آبی موسوم به جوب بیستون می‌گذرد که از سراب بیستون سرچشمه می‌گیرد؛ همچنین وجود مجاری گذر آب در بدنه دیوار غربی این تأسیسات، این فرضیه را مطرح می‌کند که شاید تأسیسات دیوار حایل سنگی فرهادتراش، که هنوز کاوش نشده است، باید تأسیسات آبرسانی باشد؛ البته این فرضیه باید به واسطه کاوش‌های باستان‌شناختی، بررسی و ارزیابی شود (همان).

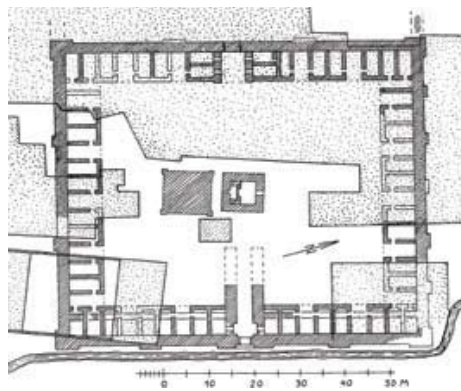
در سراب طاق بستان کرمانشاه، شش سرستون سنگی وجود دارد که از فرهادتراش بدانجا آورده‌اند؛ و بر روی آنها، صورت‌های خسرو پرویز، اناهیتا، الهه آب، صحنه‌های شکار و نقوش گل و گیاه حجاری شده است. این آثار نشان می‌دهد که فرهادتراش نیز همانند طاق بستان باید از عهد خسرو دوم باشد؛ همچنین وجود نقش اناهیتا، دلالت می‌کند که تأسیسات آبرسانی و آب‌نماسازی در محوطه فرهادتراش در ارتباط با آیین نیایش و سنت تقدس آب در کیش مزدپرستی ایران باستان بوده است و بدین لحاظ، می‌توان آن را با معبد اناهیتای بیشاپور در کارزون و سراب طاق بستان در کرمانشاه مقایسه و همسان‌سازی کرد (همان). شاید حجاران و معماران ساسانی می‌خواستند که در قاب‌نمای حجاری شده اما ناتمام فرهادتراش، ایوان و مجالسی مشابه سراب طاق بستان پدید آورند تا همانند آن، تصاویر و مجالس در آب نمود و بازتاب یابد!

### کرمانشاه، سراب طاق بستان

اما در این میان، شاخص‌ترین و معروف‌ترین مجالس نخجیر و سنت شکار در فرهنگ و هنر دربار ساسانی، نقوش حجاری شده ایوان طاق بستان در کرمانشاه است؛ در این نقوش، خسرو پرویز ساسانی را مشاهده می‌کنیم که همراه با جمعی از خنیاگران و درباریان، سوار بر قایق، در میان نیزاری انبوه، به شکار گله‌های گراز رفته است؛ در حالی که شخصیتی مقدس، که هاله‌ای از نور بر سر دارد (الهه اناهیتا؟) سوار بر قایقی دیگر، شاهنشاه را همراهی می‌کند (تصویر ۴). همچنین در صحنه‌های دیگر، خسرو و درباریان را سوار بر اسب می‌بینیم که در تعقیب گله‌های گراز و بز کوهی‌اند و خنیاگران و کوبه شاهی، سوار بر فیل و اسب و شتر، ایشان را مشایعت و یا برای شاه و درباریان، کباب گراز حاضر می‌کنند!

همانند فرهادتراش بیستون، سراب طاق بستان نیز در اصل یک بنای یادبود و دسکره‌ای به شکل دو ایوان حجاری شده در دل کوه است که آن را فرآپیش یک چشمه و چشم اندازی سرسبز ساخته‌اند که بر آنها، به لحاظ ارتفاع، اشرف کامل دارد (تصویر ۵). حضور هماهنگ عناصر طبیعی آب، کوه و بیشه و نیز صحنه‌های حجاری شده نخجیر سلطنتی، همگی در اشتراک با یکدیگر، سراب طاق بستان را یک دسکره و شکارگاه سلطنتی معرفی می‌کند؛ و می‌توان در نظر داشت که این دو ایوان، شاهنشین و محل جلوس شاه و خاندان سلطنتی در وقت مراسم شکار بوده است. همچنین باید به هماهنگی مشترک عناصر طبیعی منظر با تصاویر الهه اناهیتا، که همگی آنها در باورهای مزدپرستی ایران باستان تقدس و احترام دارند، تأکید و توجه کرد.

تصویر ۳: پلان کوشک ساسانی، بیستون. ترسیم از ولفرام کلایس. مأخذ: منصور و آجورلو، ۱۳۸۷.



مقدمه

شکار، شکارگری و نخجیر یکی از سنت‌های کهن درباریان و طبقه اشراف ایرانی بود؛ که بنابر اسناد باستان‌شناختی، پیشینه آن به عهد هخامنشی می‌رسد. برای مثال، بر روی یک مهر هخامنشی، تصویر شاهنشاه شیرافکن، سوار بر گردونه سلطنتی، نقش بسته است؛ و یا بر روی غلاف آکیناکس مجموعه گنجینه جیجون، که در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود، مجالسی از مراسم شکار نفر شده که البته نمایش این صحنه‌ها همگی برگرفته از هنر آشور نو بوده است

(Frye, 1963; Curtis, 2000). همچنین بر لوله مفرغی یک ظرف مرصع از دوران سلسله چینی هان غربی، تصویر یک سوارکار بیرافکن پارتی را ترسیم کرده‌اند و البته، در گچبری‌های قلعه یزدگرد و فرسک‌های دورا اورپوس نیز صحنه‌هایی از شکار شیر و گراز و بز کوهی مشاهده می‌شود (Frye, 1963; Herrmann, 1977).

نمایش صحنه‌های شکار و نخجیر در هنر ساسانی نمود بیشتری یافته و به لحاظ کمی و کیفی در مقایسه با دیگر ادوار هنر ایران باستان، پیشرفتی قابل ملاحظه دارد. بر روی بشقاب و سینی‌های نقره، طلا و نیمه مطلا ساسانی، که در موزه آذربایجان (تبریز) و ارمیتاژ (سن پترزبورگ) نگهداری می‌شوند، شاهان ساسانی را می‌بینیم که سواره یا پیاده در حال شکار شیر، خرس، گراز، بزکوهی و مرغابی‌اند. این ظروف را به شاپور اول، شاپور دوم و پیروز نسبت داده‌اند (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۷)؛ (تصویر ۱). در کتیبه‌های منسوب به شاپور اول ساسانی در حاجی‌آباد و تنگ براق نیز با داستان شکار گور اسب و مهارت شاهنشاه در شکار و کمان‌کشی آشنا می‌شویم (آموزگار، تفضلی، ۱۳۷۵). اما صرف نظر از آثار هنری مرتبط با سنت نخجیر و شکارگری منسوب به عهد ساسانی، شواهد باستان‌شناختی یافته از ناحیه کرمانشاهان بر وجود نخجیرگاه‌های سلطنتی و معماری محیط و منظر متناسب با سنت و فرهنگ شکار در بارگاه ساسانیان تأکید می‌کند؛ که در اینجا، سه شکارگاه سلطنتی بیستون، طاق بستان و کنگاور معرفی می‌شود.

### فرضیه

معبد اناهیتای کنگاور که به غلط به این عنوان مشهور شده، نمونه‌ای ساسانی از دسکره‌های شکارگاه‌های این دوره در غرب ایران است.

### بیستون، شکارگاه سلطنتی فرهادتراش

فرهادتراش، قابی تراشیده اما ناتمام، برای نقش برجسته‌ای بزرگ بوده که روزگاری در پای آن، مجموعه‌ای از یک آب‌نما، باغ و کاخ ساسانی وجود داشته است (تصویر ۲). صفحه حجاری شده ناتمام فرهادتراش در سینه کوه بیستون، در پیوند با تأسیسات و پلان بنای مکشوف از ناحیه موسوم به دهکده بیستون، که در مقابل آن قرار دارد، مجموعه یک دسکره و شکارگاه سلطنتی را در عهد ساسانی شکل می‌داد که الگوی این دسکره، باغ‌سازی ایرانی بود. البته مجموعه این شکارگاه سلطنتی، در ارتباط با کاخ خسرو در کنگاور- مشهور به معبد اناهیتا- سراب طاق بستان در کرمانشاه و کاخ خسرو در قصر شیرین تفسیرپذیر است (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۷). «هاینز لوشای»، فرهادتراش را به خسرو دوم ساسانی و «کورت اردمان»، در مقایسه با آثار ساسانی طاق بستان، آن را به پیروز ساسانی (۴۸۳ - ۴۵۹ م) منسوب کرده‌اند (منصوری و آجورلو،





تصویر ۲: صفحه فرهاد تراش  
بیستون و بقایای آثار  
کوشک ساسانی فرابیش  
آن. بیستون. عکس: محمد  
آتشین‌بار، ۱۳۸۵.  
تصویر ۴: نقش برجسته خسرو  
پرویز و الهه آناهیتا (؟) در  
مراسم شکار. طاق بستان.  
عکس: محمد آتشین‌بار،  
۱۳۸۵.  
تصویر ۶: بقایای کوشک  
خسرو معروف به معبد  
اناهیتا. کنگاور. مأخذ:  
آرشیو علی اکبر سرفراز.



براساس شواهد باستان‌شناختی و گزارش‌های تاریخی موجود، مجموعه بیستون و سراب طاق بستان با تبعیت از الگوی باغ ایرانی و حضور عناصری چون فضای سبز، آب و معماری و بنای معروف به معبد اناهیتای کنگاور، می‌توانند نمونه‌های منحصر به فردی از معماری شکارگاهی دوران ساسانی تلقی شوند.

Based on archaeological evidence and historical reports, the Bisotun and Tāq-e Bostān structures, built on the basis of Iranian gardens and complete with greenery and water, as well as the structure known as the Temple of Anahita in Kangavar can be considered as unique architectural examples of Sassanid-era hunting-grounds.



کاربری این بنای سترگ، که در اصل از ترکیب صدف‌های بزرگ با پلکان‌های پیرامونی و نرده‌های سنگی غول پیکر گرداگرد صدف شکل گرفته است، در ارتباط با چشم‌انداز طبیعی دشت پیرامون قابل تفسیر است؛ که آنگاه، بنای معروف به معبد اناهیتا را یک دسکره و اقامتگاه فصلی - ییلاقی سلطنتی معرفی می‌کند؛ این دیدگاه، با توجه به آنچه از آثار ساسانی کرمانشاهان در سراب طاق بستان، فرهاد تراش و حتی قصر شیرین می‌بینیم، تشابهی تام دارد.

### نتیجه‌گیری

معماری محیط و منظر با رویکرد به سنت شکار و آداب و رسوم طبقه اشراف و درباری ایران کهن، اصالتی ساسانی دارد. هرچند، شواهد باستان‌شناختی، سنت شکار و نجحیر در دربارهای هخامنشی و اشکانی را تأیید می‌کند، اما تاکنون، شواهد باستان‌شناختی معماری محیط و منظر و طراحی و ساخت کوشک و دسکره و شکارگاه‌های سلطنتی کشف و گزارش نشده است و نمونه‌های ساسانی غرب ایران، تا به امروز، تنها نمونه‌های نادر و منحصر به فرد از معماری مرتبط با محیط و منظر و سنت شکار در ایران باستان هستند.

طراحان و معماران عهد ساسانی در طراحی و اجرای فرهادتراش و طاق بستان به الگوی باغ‌سازی ایرانی یعنی ترکیب سه عنصر فضای سبز، آب و یک حجم معماری یگانه با جنبه بصری قوی توجه و تأکید داشته‌اند؛ البته، دسکره کنگاور از آن دو متفاوت است؛ بدین معنی که در اینجا عنصر آب و نیز نقوش مذهبی و آیینی مشاهده نمی‌شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد که کاربری دسکره کنگاور در ارتباط با دشت پیرامونی‌ش، صرفاً شکارگاه سلطنتی و اقامتگاه موقت بوده است؛ حال آنکه فرهادتراش بیستون و سراب طاق بستان به عنوان باغ و کوشک ییلاقی و حتی شاید نیایشگاه، کاربری‌های مضاعف داشته‌اند.

پیوستگی جغرافیایی، قرابت زمانی و مجاورت مکانی آثار کنگاور، فرهادتراش بیستون و سراب طاق بستان با تأسیسات ساسانی قصر شیرین، نشان می‌دهد که ناحیه کرمانشاهان در دوران ساسانیان از مهم‌ترین اقامتگاه‌های تابستانی و شکارگاه‌های سلطنتی سلاطین ساسانی بوده است ■

### پی‌نوشت

۱. کوشک و ساختمانی که در میان باغ‌های بیرون شهر و در روستاها و تفرجگاه‌های ساخته‌اند (پیرنیا، ۱۳۷۶: ۳۵۳).

### منابع

- آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد (۱۳۷۵) زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن، نشر معین، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۶) سبک‌شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ پنجم (۱۳۸۶)، سروش، تهران.
- محمدپناه، بهنام (۱۳۸۵) کهن‌دیار، جلد اول، چاپ چهارم (۱۳۸۶)، انتشارات سبزان، تهران.
- منصور، سید امیر؛ آجورلو، بهرام (۱۳۸۷) بررسی و بازشناسی صدف فرهاد تراش بیستون: نمونه‌های ساسانی از معماری منظر، باغ نظر، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشکده هنر و معماری و شهرسازی نظر، سال ۵، شماره ۱۰، صص. ۴۹-۶۸.

### References

- Amuzegar, J & Tafazoli. (1996). Pahlavi Language: Literature and the command, Tehran: Moein.
- Azarnoush, M. (1981). Excavations at Kangavar, AMI, Band 14, pp. 69-94.
- Curtis, J. (2000). Ancient Persia. London: British Museum Press.
- Erdmann, K. (1943). Die Kapitelle am Taqi Bustan, Zeitschrift der Deutschen Orientgesellschaft, Vol. 80, pp. 1- 42.
- Flandin, E. (1851). Voyage en perse, Paris: Gide et J. Baudry.
- Frye, R. N. (1963). The Heritage of Persia: the Pre- Islamic History of One of the World's Great Civilizations. New York: World Publishing Co.
- Herrmann, G. (1977). the Iranian Revival. London: Elsevier & Phaidon.
- Kleiss, W. (1970). Zur Topographie des Parther Hangs in Bisuton, AMI, Band 3, pp. 133- 168.
- Mansouri, S.A & Ajorloo, B. (2009). Farhad Tarash in Bistoun: the sample of Sassanid landscape architecture, Bagh-I-Nazar, Vol5,(10),pp.49-68.
- Pirnia, M. (1997). Stylistics of Iranian Architecture, Tehran: Soroush.
- Salzmann, W. (1976). Die Felsarbeit und Terrasse des Farhad in Bisuton ein Spat Sassanidisches Monument, Archäologischer Anzeiger, pp. 110-134.



### کنگاور، دسکره معروف به معبد اناهیتا

اگرچه ویرانه‌های سنگی معروف به معبد اناهیتا در شهر کنگاور استان کرمانشاه، اثری از عهد اشکانیان معرفی شده است، اما در اصل نه یک معبد پارتی و پرستشگاه الهه اناهیتا، بلکه کوشکی ساسانی است؛ که شاید، در ارتباط با آثار فرهادتراش و طاق بستان و قصر شیرین از ساخته‌های عهد خسرو پرویز باشد. از دیدگاه «علی اکبر سرفراز»، فضا سازی بنای مشهور به معبد اناهیتای کنگاور کاربری نظامی و یا مسکونی و اداری ندارد (تصویر ۶). شادروان «مسعود آذرنوش» نیز با تأکید بر اصالت ساسانی این اثر، کاربری معبد و پرستشگاه را برای آن کاملاً منتفی دانسته است و اشاره می‌کند که بر روی ستون‌های تنومندی که دور تا دور این صدف بزرگ افراشته‌اند، قوس‌های طاق ضربی استوار بوده است که فضا سازی آنجا را از فضا سازی آتشگاه‌ها و آتشکده‌ها و یا نیایشگاه‌های آب، همانند معبد اناهیتای بیشاپور، متفاوت و متمایز می‌کند (Azarnoush, 1981). بنابراین، بر مبنای اطلاعات باستان‌شناختی حاضر،